

## شبهات های حضرت مهدی (ع) و پیامبران

مرضیه محمدزاده\*

چکیده

یکی از گونه های یادکرد امام مهدی (ع) در قرآن، اشاره به آن حضرت در خصوص سرگذشت پیامبران و امت های پیشین است. بسیاری از ویژگی های آن حضرت و دوران ظهور ایشان ضمن آیاتی بیان شده است که با تدبیر در آیات مربوط به حضرت آدم، نوح، ابراهیم، یوسف، موسی، یحیی و عیسی (ع) به شبهات های امام مهدی (ع) با پیامبران الهی (ع) پی می بریم: پنهانی بودن ولادت پیامبرانی چون ابراهیم و موسی (ع)، آغاز مأموریت در دوران کودکی یحیی و عیسی (ع)، عمر طولانی چند تن از پیامبران الهی (ع)، مقام خلافت در روی زمین، مأموریت جهانی، ابتلاء قوم و جدایی نیکان از بدان، نقش خلافت الهی در دوران غیبت، اختلاف درباره وفات، عذاب فرعونیان و نجات مستضعفان به عنوان وارثان زمین و تحقق خلافت و سکونت در بهشت زمین می رسیم. اینها از جمله حقایقی هستند که قصص قرآن به آن اشارت دارد و همه آنها را درباره امام مهدی (ع) تحقق یافته می یابیم و آن را دست مایه ایمان و معرفت به آن حضرت قرار می دهیم. در این مقاله می کوشیم شبهات های حضرت مهدی (ع)

\*دکتر و محقق، مؤلف و پژوهشگر

به پیامبران الهی<sup>(ع)</sup> را که در قرآن بیان شده است بیان کنیم .  
کلید واژه ها : امام مهدی<sup>(ع)</sup> ، پیامبران ، شباهت ها ، طول عمر ، غیبت .

#### مقدمه

همه ادیان جهان به گونه ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط گذارد و از مبدأ هستی فاصله گیرد و جهان را تاریکی جهل و ستم در برگیرد، شخصیتی نجات دهنده ظهور خواهد کرد .

همه مسلمانان ظاهر شدن مهدی<sup>(ع)</sup> را در آخرالزمان باور دارند . روایت هایی از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> رسیده و مضمون کلی آن روایات این است که در آخر الزمان یکی از فرزندان او با عنوان مهدی آشکار خواهد شد و جهان را پس از آن که از ظلم پر شده است ، از عدل و داد لبریز خواهد کرد . شیعیان دوازده امامی با استناد به روایتی که می گوید مهدی<sup>(ع)</sup> از اعقاب فاطمه<sup>(س)</sup> خواهد بود و روایت های دیگر که از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و امامان<sup>(ع)</sup> رسیده است و در برخی کتاب های اهل سنت و جماعت نیز دیده می شود، معتقدند مهدی<sup>(ع)</sup> که مژده ظهور او در آخر الزمان داده شده است ، مصداقی مشخص دارد و در قید حیات است .

دوازدهمین امام ، فرزند امام عسکری<sup>(ع)</sup> است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده و در مدت پنج سال که پدر بزرگوار او زنده بود، تنی چند از خواص شیعیان امام عسکری<sup>(ع)</sup> او را دیده اند و چون در سال ۲۶۰ هجری امام عسکری<sup>(ع)</sup> به جوار حق رفت و امامت بدو رسید ، چهار تن به ترتیب میان او و شیعیان واسطه بوده اند . این دوره را که از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری طول کشید ، دوره غیبت صغری می نامند و از سال ۳۲۹ هجری که آخرین نایب خاص او علی بن محمد سمیری بدرود زندگانی گفت ، واسطه میان امام و شیعیان او از میان رفت و غیبت کبری آغاز گردید .

مشخص کردن مصداق مهدی<sup>(ع)</sup> و تأکید بر زنده بودن او ، موضوع را از حالت انتزاعی خارج کرده است و به آن عینیت می بخشد . او در عین غیبت ، امام زمان و ولیّ امر است . یعنی : همان کسی که پا جای پای پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نهاده و از ویژگی های لازم خلافت او برخوردار است . از نظر شیعه ، حکومت - امر - به دست اوست .

از سویی، درک مستقیم یازده امام پس از پیامبر اکرم (ص) هرگونه شبهه ای را در خصوص شخصیت واقعی او از اذهان می زداید؛ چرا که وقتی یازده نفر منطبق بر ویژگی های مطرح شده از طرف شیعه برای رهبری ظهور کرده و با مردم حشر و نشر داشته و فضائل و کرامات آنان مورد تأیید دوست و دشمن بوده است، دلیلی وجود ندارد که نفر دوازدهمی وجود نداشته باشد. از طرفی هم، از انظار غایب است و این غیبت، خود بر ابعاد الهی شخصیت او می افزاید. ارتباط قریب به هفتاد ساله او با مردم، از طریق نواب ویژه، شبهه توهمی بودن شخصیت او را زایل می کند و انتظار طولانی ظهور او متضمن حضور سیاسی همیشگی شیعیان در صحنه فعالیت های سیاسی جامعه است و قرآن که تبیان همه مسائل است، حقایقی درباره امام مهدی (ع) و شباهت او با پیامبران الهی (ع) و نقش ایشان در آینده جهان را به روشنی بیان کرده است.

امام صادق (ع) فرمود: صاحب این امر، سنت هایی - علامتی - از پیامبران الهی دارد: سنتی از موسی (ع)، عیسی (ع)، یوسف (ع) و سنتی از محمد (ص)، اما شباهت وی به موسی (ع) این است که از مردم وحشت داشت و مراقب خود بود شباهت او به عیسی (ع) این است که آنچه در باره وی گفته می شود همان است که در باره عیسی (ع) گفتند، علامتی که از یوسف دارد، پوشش وی است. به طوری که او را می بینند، ولی نمی شناسند و علامتی که از محمد (ص) دارد این است که به شیوه او مردم را رهبری و راهنمایی می کند.

و امام سجاد (ع) فرمود: «در قائم ما سنت هایی از انبیا وجود دارد: سنتی از پدرمان آدم، سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب و سنتی از محمد (ص)، اما از آدم و نوح طول عمر و از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم، از موسی خوف و غیبت، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب فرج پس از گرفتاری و از محمد که درود خدا بر همه آنان باد، خروج با شمشیر است»<sup>۱</sup>.

### دلایل شباهت سیره امام مهدی (ع) با پیامبران الهی (ع)

بسیاری از پیام های قرآن درباره امام مهدی (ع) و دوران ظهور آن حضرت در داستان پیامبران الهی (ع) و شباهت های زیادی میان سیره آن بزرگواران با امام مهدی (ع) وجود دارد که می توان به این دلایل اشاره کرد:

۱. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف، ۱۲/۱۱۱)؛ «در سرگذشت آنها درس و عبرتی برای صاحبان اندیشه بود». هم چنین، داستان گذشتگان را نشانه ای برای آیندگان معرفی نموده است و می فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ» (یوسف، ۷/۱۲)؛ «در [داستان] یوسف و برادرانش، نشانه ها [ی هدایت] برای سؤال کنندگان بود».

خداوند هم چنین سرگذشت پیشینیان را نمونه ای برای آیندگان خوانده و از آنان خواسته است در این مثال ها تعقل کنند: «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (النور، ۲۴/۳۴)؛ «ما برای شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند و موعظه و اندرزی برای پرهیزکاران!».

پس، از دیدگاه قرآن مطالعه داستان گذشتگان باید مایه عبرت و بصیرت بندگان گردد و می توان در همین آیات به نکته های ارزشمندی درباره امام مهدی (ع) و مثال هایی درباره مهدویت و دوران ظهور آن حضرت پی برد.

۲. خداوند به انسان ها وعده داده و می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۲۴/۵۵)؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت». در دوران امامت امام مهدی (ع) است که این هدف الهی تحقق می یابد و صالحان حکمرانان زمین خواهند شد.

۳. خداوند در قرآن کریم رسولان را به مردم معرفی کرده است و ایام الله را نشان می دهد و این که قطعاً این ایام در آینده واقع خواهند شد: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۱۴/۵)؛ «ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ [و دستور دادیم: قومت را از ظلمات

به نور بیرون آر! و ایام اللّٰه را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!». و أمّا یوم اللّٰه پیامبر خاتم (ص)، روز ظهور حضرت مهدی (ع) است و آن روز جدایی کامل بدن از نیکان خواهد بود.

۴. خصوصیات منجی موعود: آنچه از همه کتب الهی برداشت می شود این است که: شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به عنوان منجی خواهد آمد که همه انتظار او را می کشند. جهان فعلی به خاطر عدم رشد فکری و یا جهل، نمی تواند او را قبول کند و وجود او را احساس نماید. قبل از آمدن او جنگ های غافلگیر کننده ای روی می دهد و همه را به وحشت می اندازد که چنان مصیبت بزرگی در عالم واقع نشده است. همه ملت های جهان زیر نفوذ او خواهند رفت و او بر جهان حکومت خواهد کرد. او مردم را از امور دنیا باخبر می کند؛ زیرا به جمیع علوم از اول تا آخر آنها احاطه دارد. او از خود، تکلم نمی کند و روی هوای نفس خود حرف نمی زند، بلکه طبق آنچه از خدای تعالی و پیامبران الهی شنیده است، سخن خواهد گفت. او وقتی بیاید مردم را به جمیع راستی ها هدایت خواهد نمود. مردم را به عدالت ملزم می نماید و خودش، به عدالت داوری می کند. قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم می شود و سراسر جهان را ظالمین احاطه می کنند. وقتی او بیاید همه اضرار در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می کنند و حتی درندگان و حیوانات موذی کوچکترین آسیبی به حیوانات اهلی نمی زنند. او قدرتمندترین ابرقدرت ها را سرکوب می کند و به طور کلی، اثری از اشرار باقی نمی گذارد. بعد از ظهور او، صالحان و صدیقان و حلیمان وارث زمین می شوند و جهان و آنچه در اوست به آنان تعلق خواهد گرفت. همه چیز در اختیار او قرار خواهد گرفت؛ او جهان را از معرفت خدای تعالی پر خواهد کرد و مردم، همه خداشناس خواهند شد. همه باید منتظر او باشند، زیرا وقت ظهورش مشخص نیست و حتی ملائکه آسمان هم نمی دانند و بالاخره، جز خدای تعالی کسی از آمدنش اطلاع ندارد. بنابراین باید همه بیدار باشند و آمدنش را انتظار داشته باشند. خلقی که در انتظار مصلح به سر می برد باید خود صالح باشد و خلاصه وظیفه مردم در زمان غیبت او این است که برای ظهورش دعا کنند و همیشه منتظر او باشند، زیرا او ناگهانی خواهد آمد.

نمونه هایی از شباهت امام مهدی (ع) با پیامبران الهی (ع)

۱. شباهت امام مهدی (ع) با حضرت آدم (ع): داستان حضرت آدم (ع) در قرآن کریم به عنوان اولین داستان، اشاره های مهمی به امام مهدی (ع) دارد که از آن جمله است:

الف: مقام خلافت: خداوند در آغاز داستان آدم (ع) می فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقرة، ۲/۳۰)؛ «[به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی [نماینده ای] قرار خواهم داد».

بیان مقام خلافت و جانشینی حضرت حق در روی زمین به شکل عام نشان می دهد که خلیفه، لزوماً شخص حضرت آدم (ع) و یا حتی نبی نیست، بلکه مفهومی عام، برای آغاز تا انتهای آفرینش بشر است<sup>۲</sup>. در آیات قصص قرآن سخن از خلافت صالحان در دوره هایی از زمان به میان آمده و بنا بر آیه ۵۵ سوره نور و گواهی روایات فریقین غلبه کامل خلافت الهی در زمان امام مهدی (ع) واقع خواهد شد.<sup>۳</sup>

ب: بهره مندی از علم اسماء الهی: خداوند برای معرفی حضرت آدم (ع) و شایستگی او برای مقام خلافت، اسماء الهی را به آن حضرت یاد می دهد و سپس فرشتگان را درباره آن اسماء می آزماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»؛ (البقرة، ۲/۳۱-۳۲)؛ «سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوید، اسامی اینها را به من خبر دهید. فرشتگان عرض کردند: منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی».

در اینجا، توانمندی آدم (ع) در خبر دادن از اسماء موجودات غیبی، مایه برتری و شرافت او بوده و او را شایسته مقام خلافت ساخته است.<sup>۴</sup>

امام مهدی (ع) و تمام مؤمنان صالح که خداوند وعده خلافت آنان را در روی زمین داده است، باید علمی فراتر از علم فرشتگان داشته باشند، علمی که صاحب آن را قادر می سازد حقایق نورانی و غیبی را شهود کرده و به دیگران بیاموزد.

ج: اطاعت فرشتگان: زمانی که خداوند با ملائک درباره جانشینی خود سخن می گوید، با سؤال و اعتراض آنها مواجه می شود: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ

الدِّمَاءَ وَتَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ» (البقرة، ۲/۳۰)؛ «فرشتگان گفتند: پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! [زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است] ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم و تو را تقدیس می کنیم». سرانجام، با سجده فرشتگان بر حضرت آدم<sup>(ع)</sup> به پایان می رسد: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (البقرة، ۲/۳۴)؛ «[یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید! همگی سجده کردند».

حال می توان به این نتیجه رسید که اگر انسانی خود را به مقام خلافت پروردگار برساند و حامل اسماء شود، فرشتگان مطیع فرمان او خواهند بود<sup>۵</sup>. و روزگار مهدی<sup>(ع)</sup> که روزگار حکومت صالحان است، همه فرشتگان در رکاب او و تحت فرمان او هستند<sup>۶</sup>. د: سکونت در بهشت زمین: در دوران امام مهدی<sup>(ع)</sup> فضای زمین، چون بهشت، پر از نعمت می شود و بهشتی وسیع تر از بهشت حضرت آدم<sup>(ع)</sup> در پهنه عالم بر پا خواهد شد و صالحان و برگزیدگان بشر، روزگاری دراز از آن بهره مند خواهند گردید<sup>۷</sup>. ه: طول عمر: در روایت امام سجاد<sup>(ع)</sup> آمده که «در قائم ما سنتی از آدم<sup>(ع)</sup> وجود دارد که همانا عمر طولانی ایشان است»، عمر طولانی آدم<sup>(ع)</sup>، نشانه و آیتی برای عمر طولانی امام مهدی<sup>(ع)</sup> است<sup>۸</sup>. امام صادق<sup>(ع)</sup> از پدرش روایت کرده است که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمود: «آدم<sup>(ع)</sup> ۹۳۰ سال زندگانی کرد»<sup>۹</sup>.

و: دنیا میدان تحقق خلافت: داستان حضرت آدم<sup>(ع)</sup>، نشانه و نمونه ای برای دشمنی و جنگ میان انسان و شیطان است و این نزاع تا روز موعود و ظهور امام مهدی<sup>(ع)</sup> ادامه دارد و در آن زمان است که دین حق بر زمین حکومت می کند و عدالت برقرار می شود<sup>۱۰</sup>. ۲. شباهت امام مهدی<sup>(ع)</sup> با حضرت ادریس<sup>(ع)</sup>:

الف: غیبت: آغاز غیبت ها، غیبت مشهور ادریس نبی<sup>(ع)</sup> است تا به غایتی که کار شیعیانش به جایی رسید که تهیه قوت برایشان دشوار شد و طاغوت زمانه گروهی از آنها را کشت و باقی آنها را فقیر و هراسناک نمود، سپس ادریس<sup>(ع)</sup> ظهور کرد و به شیعیانش مژده فرج و قیام قائمی از فرزندان او داد که آن نوح<sup>(ع)</sup> بود. سپس خدای تعالی ادریس<sup>(ع)</sup> را به

سوی خود خواند و پیوسته شیعیان نسل اندر نسل در انتظار قیام نوح(ع) بودند و عذاب سخت طواغیت را تحمل کردند تا آن که نبوت نوح(ع) آشکار گردید .

امام محمدباقر(ع) می فرماید: « ادریس نبی(ع) از شهر و آبادی خود رانده شد، مردم آنجا کار بیهوده انجام می دادند . و ادریس آنان را از این که به دعای او خداوند سبحان باران رحمت را از آنان قطع خواهد کرد، با خبر ساخته بود، آنگاه به درون غاری پناه برد و مدت بیست سال درنگ کردند و در این مدت قطره ای باران بر آنان نبارید . مردم به سوی خداوند توبه کردند، خداوند ادریس را فرمان داد که نزد آنان برگردد»<sup>۱۱</sup> . همچنین امام مهدی(ع) وقتی که مردم منحرف شدند، از میان آنان خارج و از نظرها پنهان شد و هنگامی که روزگار بر آنان سخت می شود و مردم بد سرشت مسلط و زمین را پر از ظلم می کنند، حضرت به سویشان بر می گردد و ظهور می کند تا جهان را پر از عدل و داد کند .

### ۳ . شباهت امام مهدی(ع) با حضرت نوح(ع) :

الف : عمر طولانی : در روایت آمده که در قائم ما سنتی از نوح(ع) وجود دارد که همانا عمر طولانی ایشان است، بنا بر روایات نوح(ع)، ۲۵۰۰ سال عمر کرد که ۹۵۰ سال آن را فقط در کار دعوت قوم خود بود.<sup>۱۲</sup>

هشام بن سالم از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: «نوح(ع) ۲۵۰۰ سال زندگانی کرد که ۸۵۰ سال آن پیش از بعثت بود و ۹۵۰ سال در میان قومش بود و آنها را فرا می خواند و هفتصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب فرو نشست و آن شهرها را بنا نهاد و فرزندان او را در آن شهرها سکنی داد».<sup>۱۳</sup>

درباره عمر طولانی سایر پیامبران نیز سخن گفته شده است . امام صادق(ع) از پدرش روایت کرده است که : «پیامبر اکرم(ص) فرمود: آدم(ع) نهصد و سی سال زندگانی کرد، و نوح(ع) دو هزار و چهار صد و پنجاه سال، و ابراهیم(ع) صد و هفتاد و پنج سال، و اسماعیل(ع) صد و بیست سال، و اسحاق(ع) صد و هشتاد سال، و یعقوب(ع) صد و بیست سال، و یوسف(ع) صد و بیست سال، و موسی(ع) صد و بیست و شش سال، و هارون(ع) صد و سی و سه سال، و داود(ع) صد سال و پادشاهی او چهل سال بود و سلیمان(ع) هفتصد و دوازده سال زندگانی کرد».<sup>۱۴</sup>

عمر طولانی این بزرگواران، آیتی برای عمر طولانی امام مهدی(ع) است .



ب: مأموریت جهانی: نوح(ع) اولین پیامبر اولوالعزم یک رسالت جهانی داشت و مخاطبان دعوت او، همه مردم جهان در آن عصر بودند. معجزه او نیز جهانی بود. مطابق آیات قرآن طوفان نوح تمام زمین را در بر گرفت: «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّهِمَرٍ\* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (القمر، ۵۴/۱۱-۱۲)؛ «در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی در پی گشودیم؛ و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم در آمیختند [و دریای وحشتناکی شد]». بنا بر روایات اسلامی قیام و دعوت امام مهدی(ع) نیز جهانی است و آن حضرت تمام جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که از ظلم پر شده بود.

ج: ابتلاء قوم و جدایی نیکان از بدان: مهم ترین و عبرت آموزترین نشانه سرگذشت قوم نوح که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره می کند، ابتلاء آن قوم و جدایی نیکان از بدان است. با طوفان نوح(ع)، همه ظالمان در گستره زمین نابود شدند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنَّ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (المؤمنون، ۲۳/۳۰)؛ «[آری] در این ماجرا [برای صاحبان عقل و اندیشه] آیات و نشانه‌هایی است؛ و ما مسلماً همگان را آزمایش می کنیم». هم چنین، بنا بر روایتی از امام صادق(ع): «تأخیر در تحقق وعده خداوند به نوح(ع) برای عذاب کافران و نجات مؤمنان، ابتلاء دیگر قوم نوح(ع) بود که مثلی برای طولانی شدن دوران غیبت و تأخیر در ظهور امام مهدی(ع) و تحقق وعده الهی و عذاب بر کافران و نجات مؤمنان امت خاتم است». ۱۵.

د: ورود مؤمنان به سرزمین سلامت و برکت: مؤمنان قوم نوح(ع) به بهشتی وارد شدند که قرآن از آن به سرزمین سلامت و برکت یاد کرده است. «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ» (هود، ۴۸/۱۱)؛ «[به نوح] گفته شد: ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو اند، فرود آی».

دلیل بهره مندی آنان از این نعمت‌ها، کسب شایستگی برای مقام خلافت است. از این رو خداوند نوح(ع) و نجات یافتگان طوفان را خلیفگان می خواند: «فَجَبَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ» (یونس، ۷۳/۱۰)؛ «و ما، نوح و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشین [و وارث کافران] قرار دادیم».

دوران امام مهدی(ع) نیز دوران خلافت بندگان صالح خداوند بر روی زمین است.

آنان نیز از نعمت های خاصه پروردگار بهره مند می شوند .

#### ۴ . شباهت امام مهدی (ع) با ابراهیم (ع) :

الف : پنهانی بودن ولادت ابراهیم (ع) : در روایات ، به مخفی بودن ولادت ابراهیم (ع) اشاره شده و از آن به عنوان یکی از شباهت های ابراهیم (ع) و امام مهدی (ع) یاد شده است .<sup>۱۶</sup>

ب : پنهانی بودن هویت فرستاده الهی - غیبت - : در روایات ، دو غیبت برای ابراهیم (ع) ذکر شده است یکی در دوران کودکی و دیگری پس از کناره گیری از مشرکان قومش<sup>۱۷</sup> . قرآن نیز آن را تأیید می کند : « وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ » (العنکبوت، ۲۹/۲۶) ؛ « و [ابراهیم] گفت : من به سوی پروردگارم هجرت می کنم که او صاحب قدرت و حکیم است » ؛ « وَأَعْتَزَلْتُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي » (مریم، ۱۹/۴۸) ؛ « [ابراهیم] گفت : و از شما و آنچه غیر خدا می خوانید ، کناره گیری می کنم و پروردگارم را می خوانم » . خداوند در این دو آیه ، پنهان بودن ابراهیم (ع) را با واژگانی چون هجرت و اعتزال نام می برد . غیبت های امام مهدی (ع) نیز دوگانه بود : در آغاز زندگی و دوران کودکی و سپس پس از اعلام مأموریت و در هر دو صورت برای حفظ جان مقدسش بوده است .

ج : ورود مؤمنان به سرزمین سلامت و برکت : نجات صالحان و ورود آنان به سرزمین سلامت و برکت که در داستان نوح نبی (ع) آمد ، در اینجا نیز تکرار می شود و خداوند پس از نجات ابراهیم (ع) از آتش نمرودیان ، از ورود او به سرزمین پر برکت به همراه لوط نبی (ع) سخن می گوید : « وَبَجَيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ » (الانبیاء، ۲۱/۷۱) ؛ « او و لوط را به سرزمینی که آن را برای همه جهانیان پر برکت ساختیم ، نجات دادیم » .

#### ۵ . شباهت امام مهدی (ع) با یوسف (ع) :

الف : غیبت و پنهانی بودن : در روایات اهل بیت (ع) ، غیبت و پنهانی بودن یوسف (ع) نشانه ای برای غیبت امام مهدی (ع) است و داستان یوسف (ع) و برادرانش نشانه ای برای جویندگان حقیقت می باشد .<sup>۱۸</sup>

شیخ طوسی می نویسد : ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت نموده است که فرمود : « شباهتی از یوسف در قائم است و آن حیرت و پنهانی است » .

همان گونه که غیبت یوسف (ع) از دل چاه و در پی حسد و رزی و توطئه برادرانش آغاز

شد، غیبت امام مهدی<sup>(ع)</sup> نیز بنا به نقلی در سرداب غیبت و به دلیل خطری جدی که او را تهدید می کرد، صورت گرفت، اما این غیبت به معنای ناپدید شدن در روی زمین نیست، بلکه دیگران متوجه او نمی شوند غیبت هویت است.

ب: نقش خلافت الهی در دوران غیبت: در داستان یوسف<sup>(ع)</sup>، مرحله به مرحله مقدمات شناخت او فراهم می گردد تا سرانجام امر الهی محقق شود و همه او را بشناسند. در مورد امام مهدی<sup>(ع)</sup> نیز چنین است و مرحله به مرحله مقدمات ظهورش فرا می رسد تا این که با ظهورش امر الهی محقق گردد.

ج: بشارت به تمکین و غلبه: سوره یوسف، با بیان خواب یوسف<sup>(ع)</sup> آغاز می شود که به نوعی بشارت به پیروزی و غلبه و قدرت یافتن اوست؛ و خداوند به واسطه ظهور امام مهدی<sup>(ع)</sup> زمین را از عدل و داد پر می کند و این همان بشارت به غلبه است که در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (المجادله، ۵۸/ ۲۱)؛ «خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است».

۶. شباهت امام مهدی<sup>(ع)</sup> با حضرت خضر<sup>(ع)</sup>: الف: عمر طولانی: در روایت آمده که در قائم ما سنتی از خضر<sup>(ع)</sup> وجود دارد که همانا عمر طولانی ایشان است، عمر زیاد خضر<sup>(ع)</sup>، نشانه ای برای عمر طولانی امام مهدی<sup>(ع)</sup> است. بنا بر روایات اسلامی طول عمر خضر، برای آن نبود که منصب نبوت به وی اعطا شود یا کتابی بر او نازل گردد، یا دینش، دین انبیاء پیش از خود را نسخ کند، یا دارای مقام امامت باشد که مردم پیروی او را لازم بدانند، یا به خاطر اطاعتی باشد که خداوند بر وی واجب گرداند، بلکه چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر قائم ما و طول غیبت او تقدیر شده بود و می دانست که بندگان طول عمر او را انکار می کنند، از این رو عمر خضر را طولانی گردانید، تا در اثبات طول عمر قائم ما به وسیله آن استدلال شود.

۷. شباهت امام مهدی<sup>(ع)</sup> با موسی<sup>(ع)</sup>: الف: پنهانی بودن ولادت: موسی<sup>(ع)</sup> در فضایی متولد می شود که فرعونیان از ترس وقوع وعده الهی، در فکر نابودی منجی الهی بودند: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (القصص، ۲۸/ ۴)؛ «فرعون در زمین برتری جویی کرد

و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود». اما خداوند با اجرای تدبیر خود جان موسی (ع) را حفظ کرد.

دولت بنی عباس نیز از ترس ولادت مهدی موعود، امام عسکری (ع) را در شهر سامرا که شهری نظامی بود، تحت نظر داشتند، اما سرانجام به قدرت نامحدود الهی مصلح موعود به شکلی پنهانی متولد شد.

ب: غیبت های دوگانه: غیبت نخست موسی (ع) با تولد او آغاز می شود که همان عدم شناخت هویت اوست. خداوند این دوران را دوران رشد او قرار می دهد تا به مقام دریافت حکمت لدنی برسد و همین زمینه ساز غیبت دوم و پنهانی بیشتر او گردید و موسی (ع) به مدین مهاجرت کرد<sup>۱۹</sup>. غیبت امام مهدی (ع) نیز به این معنا است که ایشان در این دنیا و در میان مردم زندگی می کنند، اما انسان ها هویت ایشان را درک نمی کنند.

ج: ابتلائات قوم و جدایی نیکان از بدان: ابتلائات در سرگذشت قوم بنی اسرائیل فراوان وجود دارد و شاید هیچ قومی چون بنی اسرائیل به بلاهای گوناگون آزموده نشده است. در روایات اسلامی نیز سخن از بلاهایی است که نشانه ای برای ابتلائاتی است که در آستانه ظهور امام مهدی (ع) شدت خواهند یافت.<sup>۲۰</sup>

د: عذاب فرعونیان و نجات مستضعفان به عنوان وارثان زمین: خداوند در قرآن کریم به عاقبت شوم فرعونیان در زمان موسی (ع) و غرق شدن آنان در رود نیل بارها اشاره کرده است: «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (الأعراف، ۱۳۶/۷)؛ «سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند».

ه: بنی اسرائیل پس از آن به مقام خلافت و جانشینی در روی زمین رسیدند: بنی اسرائیل پس از غرق شدن فرعونیان و قبل از فرمان هبوط فضای زندگی شان بسیار شبیه بهشت آدم (ع) است. بهشت بنی اسرائیل، نمونه و نشانه ای برای بهشت صالحان در دوران ظهور امام مهدی (ع) است، یعنی: دوران شکوفایی عقل بشر، آبادانی زمین و ریزش برکات آسمانی و زمینی بر بندگان، پیروزی دین حق و غلبه آن بر تمام ادیان و سرانجام استقرار کامل عدالت<sup>۲۱</sup>. امام جعفر صادق (ع) فرمود: «أما والله ليدخلن عليهم

آیات قرآن و امام زمان (ع)

عدله جوف بیتهم کما یدخل الحرّ و القرّ؛ هان به خدا سوگند! مهدی (ع) عدالت خویش را تا درون خانه های مردم وارد می کند، به همان گونه که هوای گرم و سرد به درون وارد می شوند». ۲۲.

۸. شباهت امام مهدی (ع) با عیسی (ع): در سرگذشت عیسی (ع) نیز شباهت هایی به امام مهدی (ع) وجود دارد. از جمله:

الف: آغاز مأموریت در کودکی: ولایت طفل صغیر در سنت الهی سابقه دارد و پیامبرانی چون یحیی و عیسی (ع) در کودکی به مقام نبوت و ولایت رسیدند. در قرآن کریم آمده است که عیسی (ع) در بدو ولادت، خبر از نبوت خود می دهد: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا \* قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم، ۱۹/۲۹-۳۰)؛ «[مریم] به او اشاره کرد؛ گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است، سخن بگوئیم؟! [ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و] گفت: من بنده خدایم؛ او کتاب [آسمانی] به من داده و مرا پیامبر قرار داده است».

امام مهدی (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش در سن پنج سالگی به امامت رسید.

ب: غیبت: بنا به نص آیات قرآن عیسی (ع) زنده است و به سوی خداوند رفعت یافته و دوباره به دنیا باز خواهد گشت و همه اهل کتاب به او ایمان خواهند آورد: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (النساء، ۴/۱۵۷-۱۵۹)؛ «و گفتارشان که: ما، مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد [قتل] او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند؛ و قطعاً او را نکشتند! بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد و خداوند، توانا و حکیم است؛ و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او [حضرت مسیح] ایمان می آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود».

بنابراین شباهت دیگر عیسی (ع) با امام مهدی (ع) همین غیبت و ظهور دوباره آن حضرت است، اگر چه در رفعت عیسی (ع) و غیبت امام مهدی (ع) تفاوت هایی وجود دارد.

اختلاف درباره وفات: یهودیان گمان می کردند عیسی (ع) را کشته اند. خداوند این گفتار را نتیجه کفر آنان دانسته است. در مورد امام مهدی (ع) نیز برخی نویسندگان مسلمان معتقدند حضرت مهدی (ع) متولد شد، اما به وسیله عباسیان کشته شده است. که این گفتار نیز صحیح نیست. او زنده است و روزی ظهور خواهد کرد. ۲۳

### نتیجه گیری

در داستان پیامبران الهی (ع) در قرآن به مواردی چون: پنهانی بودن ولادت پیامبرانی چون ابراهیم (ع) و موسی (ع)، آغاز مأموریت در دوران کودکی یحیی (ع) و عیسی (ع)، عمر طولانی چند تن از پیامبران الهی (ع)، مقام خلافت و جانشینی حضرت حق در روی زمین، مأموریت جهانی، ابتلاء قوم و جدایی نیکان از بدان، نقش خلافت الهی در دوران غیبت، اختلاف درباره وفات، عذاب فرعونیان و نجات مستضعفان - وارثان زمین - و سرانجام دنیا میدان تحقق خلافت و ورود مؤمنان به سرزمین سلامت و برکت و سکونت در بهشت زمین می رسیم. اینها، از جمله حقایقی هستند که قصص قرآن به آن اشارت دارد و همه آنها را درباره امام مهدی (ع) تحقق یافته می یابیم و آن را دست مایه ایمان و معرفت به آن حضرت قرار می دهیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۳۲۲.
۲. امام مهدی و سرگذشت پیامبران الهی در قرآن/ ۲۲۳-۲۴۶.
۳. تفسیر القرآن العظیم، ۶/ ۷۲.
۴. تفسیر المیزان، ۱/ ۱۸۱.
۵. کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۲۵۵.
۶. منتخب الاثر، ۲/ ۳۰۴-۳۰۵.
۷. امام مهدی و سرگذشت پیامبران الهی در قرآن/ ۲۳۱.
۸. کمال الدین و تمام النعمة/ ۲/ ۳۰۹.
۹. همان/ ۳۲۲.
۱۰. الدر المنثور، ۳/ ۲۳۱.
۱۱. کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۲۵۴-۲۶۴؛ بحار الأنوار، ۱۱/ ۲۷۱.
۱۲. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/ ۳۲۲؛ الکافی، ۸/ ۲۸۴.
۱۳. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/ ۳۲۲.
۱۴. همان.
۱۵. همان/ ۳۵۴.
۱۶. همان، ۱/ ۱۳۸، ۳۲۲.
۱۷. همان/ ۳۲۸.
۱۸. همان/ ۱۴۴.
۱۹. امام مهدی و سرگذشت پیامبران الهی در قرآن/ ۳۱۰.
۲۰. منتخب الاثر، ۲/ ۳۴۸.
۲۱. همان/ ۱۳۶، ۱۳۸-۱۶۹.
۲۲. بحار الأنوار، ۵۲/ ۳۶۲.
۲۳. تاریخ اسلام، ۱۹/ ۱۱۳.